

Research Paper

Investigating the Effects of Oil Revenues on Multidimensional Poverty of Iran's Rural Regions: SVAR Approach

*H. Saeidi Javadi*¹, *S. M. Fahimifard*², *F. Sakhi*³

Received: 15 October, 2025

Accepted: 27 March, 2026

Introduction: Today, in many countries, the multidimensional poverty index is officially and annually calculated. In this regard, Islamic Parliament Research Center of Iran (IPRCI) in 2023 designed a national multidimensional poverty index based on the Alkire-Foster method in accordance with the prevailing conditions in Iran based on five main indicators of health, education, infrastructure, welfare facilities and housing. Also, one of the important economic variables that has ambiguous effects on poverty in oil-rich countries is oil revenues. Some economic researchers believe that the abundance of natural resources (oil) can help reduce poverty through transfer payments to the poor, increasing the poor's access to education, health care, etc. However, another group of researchers believe that due to the Dutch disease, in many developing countries, increasing the intensity of natural capital (oil) leads to the detriment of human capital, physical capital and financial capital, especially in less developed sectors and regions (rural areas), and as a result, causes poverty to increase. In addition, the rural sector of the country plays an important role in the national economy due to the provision of agricultural products and food security for the community. Therefore, this study aimed at investigating the effects of oil revenues on the index of Multidimensional Poverty of Rural Regions (MPR) in Iran.

-
1. Corresponding Author and Assistance Professor of Political Sciences, Department of Political Sciences, Faculty of Law, Political, Language, Islamic Azad University Mashhad Branch, Mashhad, Iran (ha.saeedijavadi@iau.ac.ir).
 2. Assistant Professor, Agricultural Planning, Economics, and Rural Development Research Institute (APERDRI), Tehran, Iran.
 3. PhD Candidate for Agricultural Economics, Faculty of Economics and Agricultural Development, University of Tehran, Karaj, Iran.

DOI: 10.30490/aead.2026.367534.1697

Materials and Methods: In order to achieve the research objectives, the required data were collected from Central Bank of Iran, Statistical Center of Iran, and the Islamic Parliament Research Center of Iran (IPRCI) during the 2006-2023 and then, seasonalized. Finally, Structural Vector Auto-Regressive (SVAR) model approach and EViews software were used to analyze the data. The main advantage of the SVAR model compared to the initial VAR model is that unlike the VAR model in which structural impulses are implicitly identified, the SVAR model explicitly has an economic logic based on economic theories for applying restrictions.

Results and Discussion: The results showed that during the studied period, the multidimensional poverty index in urban, rural, and the entire country had a decreasing trend, and the provinces of Sistan and Baluchestan and Isfahan had the highest and lowest levels of multidimensional poverty values, respectively; also, oil revenues had a significant direct effect on the index of Multidimensional Poverty of Rural Regions (MPR) in Iran. So, assuming that other conditions remain constant, a one-unit increase in oil export revenue increases the MPR index in Iran by 0.173 units in the first period, 0.239 units in the second period, and a maximum of 0.295 units in the third period. Due to Dutch disease in the Iranian economy, the increase in oil revenues leads to the loss of human capital, physical capital, and financial capital, especially in less-privileged sectors and regions, and as a result, it causes a decrease in economic growth and an increase in poverty, especially in rural areas.

Conclusion and Suggestions: Since the study results showed that due to Dutch disease in the Iranian economy, the increase in oil revenues are distributed in a way that benefits the rich more, and worsens the income distribution situation, and as a result, exacerbates the multidimensional poverty index, especially in rural regions, it is suggested that policymakers pay more attention to the distribution of benefits from oil revenues among different income groups, especially in the rural regions. Also, it is suggested to the country's macroeconomic authorities to allocate a share of the oil revenues saved in the National Development Fund to the development of rural areas in order to reduce the MPR index. In addition, the weakness of infrastructure and welfare, educational and health services in areas far from the center is another cause of poverty and deprivation in the rural regions of Iran. In other words, the remoteness of rural areas and the weakness of such infrastructure have led to greater backwardness, poverty and deprivation in these areas compared to areas closer to the center. Therefore, it is necessary for governments and policymakers to pay attention to these differences in future

programs and provide the basis for removing such obstacles through the development and improvement of various infrastructures, including communication, education, health and welfare. Finally, it is suggested to the authorities to pay attention to the specific characteristics of each region in order to eliminate poverty in rural communities. For example, given the impact of climatic characteristics on the severity of poverty in some areas such as Sistan and Baluchestan province, it is necessary to consider programs and policies to improve resilience and adaptation to climate change, such as diversifying income sources through the development of value chains and the supply of agricultural and non-agricultural products, and promoting the use of renewable energy sources such as wind and solar energy in such areas.

Keywords: *Multidimensional Poverty, Oil Revenues, Rural Regions, Structural Vector Auto-Regressive (SVAR) Model.*

JEL Classification: I12, O24

اقتصاد کشاورزی و توسعه

سال ۳۴، شماره ۱۳۳، بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

بررسی آثار درآمدهای نفتی بر فقر چندبعدی در مناطق روستایی ایران: رویکرد مدل خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR)

حمید سعیدی جواد^۱، سیدمحمد فهیمی فرد^۲، فاطمه سخی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۱/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۲۳

چکیده

یکی از متغیرهای مهم اقتصادی با آثار مبهم بر فقر در کشورهای نفت خیز «درآمدهای نفتی» است، به گونه‌ای که به باور برخی از اقتصاددانان، فراوانی منابع طبیعی (نفت) می‌تواند از طریق پرداخت‌های انتقالی به کاهش فقر کمک کند؛ اما، گروه دیگری بر این باورند که به دلیل وجود بیماری هلندی، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، افزایش شدت سرمایه طبیعی (نفت) به زیان سایر انواع سرمایه به ویژه در بخش‌ها و مناطق کم‌برخوردارتر (مناطق روستایی) است و در نتیجه، به افزایش فقر می‌انجامد. علاوه بر این، نقش بخش روستایی در اقتصاد ملی، به دلیل تأمین امنیت غذایی، درخور اهمیت است. از این رو، در پژوهش حاضر، به

۱- نویسنده مسئول و استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران. (ha.saeedijavadi@iau.ac.ir)

۲- استادیار پژوهشی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، تهران، ایران.

۳- دانش‌آموخته مقطع دکتری، گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران، کرج، ایران.

بررسی آثار درآمدهای نفتی بر فقر چندبعدی در مناطق روستایی ایران پرداخته شد. بدین منظور، داده‌های تحقیق از بانک مرکزی ایران، مرکز آمار ایران و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی طی دوره ۱۳۸۵-۱۴۰۲ گردآوری و سپس، فصلی شد. همچنین، تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) صورت گرفت. نتایج نشان داد که در طول دوره مورد بررسی، شاخص فقر چندبعدی در مناطق شهری، روستایی و کل کشور روند کاهشی داشته است و استان‌های سیستان و بلوچستان و اصفهان، به ترتیب، از بیشترین و کمترین فقر چندبعدی برخوردار بوده‌اند؛ همچنین، درآمدهای نفتی تأثیر معنی‌دار مستقیم بر شاخص فقر چندبعدی روستایی در ایران دارد، به گونه‌ای که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، با یک واحد افزایش در درآمد صادرات نفت، شاخص فقر چندبعدی روستایی در دوره اول، ۰/۱۷۳ واحد، در دوره دوم، ۰/۲۳۹ واحد و در دوره سوم، حداکثر ۰/۲۹۵ واحد افزایش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: فقر چندبعدی، درآمدهای نفتی، مناطق روستایی، مدل خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR).

طبقه‌بندی JEL: O24, I12

مقدمه

فقر یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده برای دستیابی به توسعه پایدار به‌شمار می‌رود (Mekonnen, 2024)، به گونه‌ای که بر اساس آمارهای بانک جهانی (World Bank, 2024)، در حال حاضر، حدود نه درصد از جمعیت جهان در فقر شدید به‌سر می‌برند. از سوی دیگر، پیچیدگی و پویایی فقر پایش جامع آن را برای پژوهشگران دشوار ساخته است (Liu et al., 2023). در این راستا، در دهه‌های اخیر، تلاش‌های بسیاری برای ارائه تصویری جامع از فقر و ابعاد مختلف آن توسط کارشناسان صورت پذیرفته و در حال حاضر، می‌توان گفت که دو رویکرد اصلی «فقر درآمدی» و «فقر چندبعدی» برای توجه بدین موضوع در کانون توجه کارشناسان این حوزه است (Agbarakwe & Okpe, 2024). بر این اساس، به باور سن (Sen, 1981)، باید فقر را محرومیت از قابلیت‌های اساسی در نظر گرفت و نه فقط پایین بودن درآمدها که ضابطه متعارف شناسایی فقر است. وی، با انتقاد از سایه سنگین درآمدمحوری بر فقر و نابرابری، رویکرد «قابلیتی» را به جای نگاه درآمدمحوری در تحلیل‌های اقتصادی ارائه کرده است (Saddique et al., 2023). در نتیجه، محرومیت از قابلیت‌ها نیز یکی از ابعاد فقر و نبود استانداردهای لازم برای داشتن حداقل‌های یک زندگی خوب است؛ بنابراین، چنانچه قابلیت استفاده از منابع در یک فرد وجود نداشته باشد و نتواند از این منابع استفاده و آنها را به یک کارکرد تبدیل کند، مطلوبیتی از داشتن آن منابع به‌دست نخواهد آورد و یک فرد فقیر تلقی می‌شود؛ این ایده آغازی برای رویکرد «چندبعدی» به مسئله فقر است (Yan et al., 2024). می‌توان گفت که سن، با ارائه نظریه «قابلیت‌ها»، حیطه بررسی شرایط رفاهی افراد را گسترش داده

است، زیرا پیش از او، بررسی پدیده فقر تنها با رویکرد محدود درآمدی که در اصل، برآمده از نظریه مطلوبیت بود، صورت می‌پذیرفت (D'Attoma & Matteucci, 2024). رویکرد سن (Sen, 1981) موسوم به «قابلیت‌ها» چارچوبی جدید برای ارزیابی فقر ارائه می‌کند، زیرا فضای منابع در رویکرد قبل جای خود را به فضای قابلیت‌ها و عملکردها خواهد داد که دامنه‌ای گسترده از ابعاد محرومیت را دربرمی‌گیرد. همین سیر تکاملی نیز موجب شده است که رویکردهایی کاربردی و گوناگون برای اندازه‌گیری فقر چندبعدی شکل گیرد تا بتوان فقر را دقیق‌تر و جامع‌تر منعکس کرد (Balasubramanian et al., 2023).

از سوی دیگر، از آنجا که مصادیق محرومیت در کشورهای مختلف متفاوت است، امروزه، در بسیاری از کشورها، شاخص فقر چندبعدی به‌طور رسمی و عموماً سالانه محاسبه می‌شود. در این راستا، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۲ اقدام به طراحی شاخص فقر چندبعدی ملی بر اساس روش آلكاير و فوستر (Alkire & Foster, 2011) و منطبق بر شرایط حاکم بر ایران مبتنی بر پنج شاخص اصلی سلامت، آموزش، زیرساخت، امکانات رفاهی و مسکن کرده است (IPRCI, 2024). همچنین، یکی از متغیرهای مهم اقتصادی با آثار مبهم بر فقر در کشورهای نفت‌خیز «درآمدهای نفتی» است، به‌گونه‌ای که برخی از محققان اقتصادی بر این باورند که فراوانی منابع طبیعی (نفت) می‌تواند از طریق دو سازوکار منجر به کاهش نابرابری درآمدی شود: نخست آنکه ایجاد درآمدهای نفتی به افزایش بخشی از هزینه‌های اجتماعی دولت شامل پرداخت‌های انتقالی مستقیم به افراد فقیر، افزایش درآمد آنها و بازتوزیع درآمد از ثروتمندان به فقرا می‌انجامد؛ و دیگر آنکه افزایش هزینه‌های اجتماعی دولت از طریق افزایش درآمدهای نفتی ممکن است دسترسی افراد فقیر به آموزش و سایر فعالیت‌های تقویت‌کننده سرمایه انسانی مانند مراقبت‌های بهداشتی را افزایش دهد و در نتیجه، به کاهش فقر کمک کند. با این همه، گروه دیگری از محققان بر این باورند که به‌دلیل وجود بیماری‌های هلدی، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، افزایش شدت سرمایه طبیعی (نفت) به زیان سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و سرمایه مالی به‌ویژه در بخش‌ها و مناطق کم‌برخوردارتر (مناطق روستایی) است و در نتیجه، موجب کاهش رشد اقتصادی و افزایش فقر می‌شود (Kone & Foade, 2024). بر این اساس، شواهد تجربی نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورهای به‌شدت وابسته به منابع طبیعی، در مقایسه با کشورهای دیگری که وابستگی کمتر به منابع طبیعی دارند، تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی کمتر، فساد بیشتر، برابری درآمدی کمتر، سطوح آموزش پایین‌تر و عمق مالی کمتر است (Abílio, 2024). علاوه بر این، با توجه به روند رو به گسترش مهاجرت از

روستا به شهر و بروز مسائل و مشکلات ناشی از گسترش شهرنشینی (مانند حاشیه‌نشینی، گسترش جرم، ترافیک سنگین، معضلات مسکن و ...)، هزینه‌های زیادی بر دولت و جامعه تحمیل می‌شود. بخش روستایی کشور نیز به دلیل تأمین محصولات کشاورزی و امنیت غذایی جامعه، تأمین مواد اولیه بخش صنعت، ایجاد اشتغال، کمک به محیط زیست، امکان جذب گردشگران و ایجاد و گسترش صنایع دستی نقشی مهم در توسعه پایدار دارد و نقش آن در اقتصاد ملی مهم و غیرقابل انکار است. بنابراین، توجه به توسعه روستاها و حمایت از اقتصاد روستایی به عنوان یک جزء حیاتی از اقتصاد کلان کشور می‌تواند به توازن اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف کشور کمک کند. از این رو، با توجه به مطالب یادشده، در مطالعه حاضر، با به کارگیری مدل خودرگرسیون برداری ساختاری^۱، به بررسی آثار درآمدهای نفتی بر فقر چندبعدی در مناطق روستایی ایران پرداخته شده است. بدین منظور، در بخش دوم مطالعه، مبانی نظری و پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق ارائه شده و در بخش سوم، روش‌شناسی تحقیق تشریح شده است. در بخش چهارم پژوهش، به ارائه نتایج برآورد مدل یادشده و سرانجام، در بخش پنجم نیز به جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها پرداخته شده است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

شاخص فقر چندبعدی، در سال ۲۰۰۷، برای اولین بار، توسط آلکایر و فوستر (Alkire & Foster, 2011) برای ۱۰۹ کشور جهان محاسبه شد؛ و سپس، در سال ۲۰۱۰، توسط طرح مبارزه با فقر و توسعه انسانی مؤسسه آکسفورد و برنامه توسعه سازمان ملل^۲ گسترش یافت. برای محاسبه این شاخص، از عوامل مختلف، به جز درآمد، در تعیین فقر استفاده می‌شود، زیرا این شاخص شامل ملاحظات مبتنی بر محرومیت شدید در ابعاد آموزش، سلامت و استانداردهای زندگی است و به طور کلی، مؤلفه‌های سازنده آن نماینده وجود رفاه در خانوار محسوب می‌شوند. بنابراین، شاخص فقر چندبعدی می‌تواند تصویری کامل از افرادی ارائه دهد که در فقر به سر می‌برند. روش‌های اندازه‌گیری فقر چندبعدی شامل دو گام اصلی شناسایی و تجمیع است؛ در گام شناسایی، وضعیت فقر خانوار (فرد) مشخص می‌شود و در گام تجمیع، بررسی وضعیت فقر در جامعه مورد هدف صورت می‌گیرد.

-
1. Structural Vector Auto-Regressive (SVAR)
 2. United Nations Development Program (UNDP)

الف) گام شناسایی

در روش آلكاير- فوستر (Alkire & Foster, 2011)، گام شناسایی با استفاده از رویکرد شمارشی انجام می‌پذیرد، به گونه‌ای که پس از مشخص شدن کلیه زیرشاخص‌های محرومیت، برای هر کدام از آنها، یک آستانه محرومیت مشخص می‌شود. با فرض وجود d زیرشاخص، بردار $Z = (Z_1, Z_2, \dots, Z_d)$ نشان‌دهنده آستانه محرومیت در هر کدام از زیرشاخص‌های محرومیت است. اگر میزان بهره‌مندی خانوار در هر کدام از این زیرشاخص‌ها کمتر از آستانه محرومیت باشد، خانوار در آن زیرشاخص محروم محسوب می‌شود؛ و اگر برابر یا بزرگ‌تر از آستانه باشد، محروم تعریف نمی‌شود. از این‌رو، می‌توان ماتریس محرومیت g^0 را برای n خانوار (در سطر) با d زیرشاخص محرومیت (در ستون) به صورت زیر تشکیل داد، به گونه‌ای که هر کدام از درایه‌ها مقدار صفر یا یک به خود می‌گیرد (صفر بیانگر عدم محرومیت و یک بیانگر محرومیت خانوار در زیرشاخص است) (Alkire & Foster, 2011).

$$g^0 = \begin{bmatrix} g_{11} & \cdots & g_{1d} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ g_{n1} & \cdots & g_{nd} \end{bmatrix} \quad (۱)$$

پس از تعیین وضعیت محرومیت، باید وزن هر کدام از زیرشاخص‌ها که بیانگر اهمیت نسبی محرومیت است، مشخص شود. بردار $w = (w_1, w_2, \dots, w_d)$ وزن هر کدام از زیرشاخص‌ها را نشان می‌دهد که برای محاسبه آن، لازم است که ابتدا وزن هر کدام از ابعاد و سپس، وزن زیرشاخص‌ها زیر بعد مربوط مشخص شود. وزن کلی هر کدام از زیرشاخص‌ها از حاصل ضرب وزن بعد مربوط در وزن زیرشاخص در بعد خود به دست می‌آید. تعیین وزن بسیار حائز اهمیت بوده و در گام شناسایی (تشخیص فقیر بودن فرد یا خانوار) و به تبع آن، در گام تجمیع، تأثیرگذار است. پس از این مرحله، نمای (پروفایل) محرومیت خانوار به دست می‌آید. به هر خانوار یک نمره محرومیت تعلق می‌گیرد که بیانگر مجموع وزنی محرومیت در کلیه زیرشاخص‌هاست ($c_i = \sum_{j=1}^d w_j g_{ij}^0$). از این‌رو، در مجموع، نمره محرومیت جامعه (n خانوار) را می‌توان در بردار زیر نمایش داد:

$$c = \begin{bmatrix} c_1 \\ \vdots \\ c_d \\ \vdots \\ c_n \end{bmatrix} \quad (۲)$$

که در آن، d عددی در بازه صفر و یک بوده و بزرگ‌تر بودن آن بیانگر محرومیت بیشتر است. گام بعد نادیده گرفتن نمره محرومیت خانوارهای (افراد) غیرفقیر است. اگر نمره محرومیت خانوار کمتر یا مساوی آستانه فقر باشد، مقدار صفر جایگزین نمره محرومیت خانوار (فرد) می‌شود و اگر بیشتر از آن باشد، نمره محرومیت بدون تغییر باقی می‌ماند. بر این اساس، می‌توان بردار نمره محرومیت سانسور شده را به صورت رابطه زیر نشان داد:

$$c^* = \begin{bmatrix} c_1^* \\ \vdots \\ c_d^* \\ \vdots \\ c_n^* \end{bmatrix} \quad (۳)$$

که در آن، c_d^* صفر یا بزرگ‌تر از آستانه فقر مورد نظر است. همچنین، بردار وضعیت فقر خانوار (متغیر صفر و یک) نیز تشکیل می‌شود که اگر نمره محرومیت خانوار کمتر یا مساوی آستانه فقر باشد، خانوار غیرفقیر محسوب شده، مقدار صفر بدان تعلق خواهد گرفت و اگر بیشتر از آن باشد، خانوار فقیر محسوب شده، مقدار یک بدان تعلق می‌گیرد. بدین ترتیب، گام شناسایی با مشخص کردن وضعیت فقر خانوار به پایان می‌رسد. در بخش بعدی، با معرفی شاخص‌های تجمیعی فقر در روش آلکایر-فoster (Alkire & Foster, 2011)، تصویری از محرومیت در گروه یا جامعه هدف ارائه شده است.

ب) گام تجمیع

در روش آلکایر-فoster (Alkire & Foster, 2011)، سه شاخص تجمیعی فقر معرفی شده که با انجام گام‌های زیر قابل محاسبه است:

۱- با کنار گذاشتن محرومیت‌های افراد غیرفقیر شناسایی شده، نرخ سرشمار فقر چندبعدی یا فراگیری فقر چندبعدی (H) محاسبه می‌شود. این نرخ از تقسیم جمعیت فقرا بر کل جمعیت جامعه هدف به دست می‌آید.

۲- با محاسبه نمره محرومیت افراد فقیر (با استفاده از بردار نمره محرومیت سانسور شده)، میانگین نمره محرومیت افراد فقیر جامعه یا شدت فقر چندبعدی (A) محاسبه می‌شود.

۳- محاسبه اولین شاخص تجمیعی (M_0) از حاصل ضرب دو شاخص فراگیری فقر (H) و شدت فقر (A) به دست می آید. بدین شاخص نرخ سرشمار تعدیل یافته^۱ نیز گفته می شود.

$$M_0 = H \times A \quad (۴)$$

۴- آستانه شاخص های محرومیت به کمک رابطه زیر نرمال سازی می شوند:

$$g_{ij} = \frac{z_j - \tilde{x}_{ij}}{z_j} \quad (۵)$$

که در آن، z_j آستانه محرومیت در بعد j بوده و $\tilde{x}_{ij}$ نمره محرومیت فرد در بعد j ام است. فاصله فقر تک بعدی برای همه افراد و در همه ابعاد محاسبه می شود. سپس، با میانگین گیری از این فاصله ها، متوسط فاصله فقر یا عمق فقر (G) نیز به دست می آید.

۵- دومین شاخص تجمیعی (M_1) از حاصل ضرب سه شاخص فراگیری فقر (H)، شدت فقر (A) و عمق فقر (G) به دست می آید:

$$M_1 = H \times A \times G \quad (۶)$$

۶- محاسبه مربع فاصله فقر تک بعدی برای همه افراد و در همه ابعاد و سپس، میانگین گیری از آن مجذور عمق فقر (S) را نتیجه می دهد. سومین شاخص تجمیعی (M_2) از حاصل ضرب سه شاخص فراگیری فقر (H)، شدت فقر (A) و مجذور عمق فقر (S) محاسبه می شود:

$$M_2 = H \times A \times S \quad (۷)$$

همان گونه که ملاحظه می شود، در این روش، با استفاده از شاخص های ابتدایی فقر یعنی، فراگیری فقر (H) و شدت فقر (A)، سه شاخص تجمیعی M_0 ، M_1 و M_2 طراحی و معرفی شده است. یکی از ویژگی های متمایز این روش در معرفی شاخص های تجمیعی توجه توأمان به فراگیری و شدت فقر است. این شاخص ها، در عین سادگی، بسیاری از ویژگی های یک شاخص مناسب برای اندازه گیری فقر را دارند. در میان سه شاخص یاد شده، M_0 (نرخ سرشمار تعدیل یافته فقر چندبعدی)

پرکاربردترین آنها بوده و عموماً برای محاسبه شاخص فقر چندبعدی به کار گرفته می‌شود که در پژوهش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران (IPRCI, 2024) نیز شاخص فقر چندبعدی ملی با استفاده از آن محاسبه شده است (Alkire & Foster, 2011).

در مطالعات خارجی، محققان مختلف به بررسی فقر و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. برای نمونه، چیجیوک و اولیساه (Chijioke & Olisah, 2023)، با بررسی تأثیر درآمد نفتی و فقر در نیجریه در دوران پس از کووید-۱۹، رابطه‌ای مستقل را بین درآمد نفتی و نرخ فقر در منطقه نشان دادند. نرخ فقر این منطقه، حتی در سال‌های رونق نفتی نیز بالا بود؛ از این رو، همه‌گیری کووید-۱۹ را که منجر به کاهش شدید درآمد نفتی پس از آن شد، نمی‌توان عامل افزایش نرخ فقر در منطقه دانست. ژائو و همکاران (Zhao et al., 2024)، با برآورد فقر چندبعدی و عوامل تعیین‌کننده آن در میان سالمندان در مناطق روستایی چین، نشان دادند که شایع‌ترین علل فقر یادشده عبارت‌اند از بیماری، کمبود اشتغال، فناوری ناکافی و حمل‌ونقل ضعیف. اُنوئمکا (Onwuemeka, 2024)، با بررسی تأثیر درآمد نفت بر وضعیت فقر در نیجریه از طریق نقش پویایی نهادی طی دوره ۱۹۹۵-۲۰۲۱، نشان داد که در کوتاه‌مدت، درآمد نفت تأثیر منفی بر فقر در دوره فعلی دارد؛ با این حال، در بلندمدت، سهم درآمد نفت در فقر مثبت می‌شود. نتایج پژوهش وی، همچنین، نشان داد که نهادهای ضعیف و سطح بالای فساد به بروز و تقویت سندرم نفرین منابع در نیجریه می‌انجامد. کائو و همکاران (Cao et al., 2024)، با بررسی تأثیر خط فقر چندبعدی بر امنیت غذایی خانواده‌ها در مناطق روستایی ویتنام، نشان دادند که با رهایی خانوارها از خط فقر چندبعدی، آنها مصرف مواد غذایی را متنوع کرده و سرانه هزینه مواد غذایی را افزایش داده‌اند. بنابراین، اجرای سیاست‌های ریشه‌کنی فقر می‌تواند هم به کاهش فقر و هم به بهبود امنیت غذایی منجر شود. دانسو-آبه‌آم (Danso-Abbeam, 2025)، با بررسی تأثیر تنوع محصولات کشاورزی بر فقر چندبعدی در مناطق روستایی غنا، نشان داد که تنوع محصولات کشاورزی تابعی رو به کاهش از فقر چندبعدی بوده و درآمد کشاورزی به‌عنوان یک مجرای بالقوه شناسایی شده است که از طریق آن، تنوع محصولات کشاورزی بر فقر چندبعدی تأثیر می‌گذارد.

همچنین، در داخل کشور، اخیراً در مطالعات مرتبط با حوزه فقر، فقر چندبعدی مورد توجه محققان قرار گرفته است. برای نمونه، در مطالعه ملکی شهرپور (Maleki Shahrivar, 2018)، با بررسی اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت درآمدهای نفتی بر فقر اقتصادی مناطق شهری ایران طی دوره ۱۳۵۸-۹۴، نتایج نشان داد که در بلندمدت، هر یک درصد افزایش در درآمدهای نفتی به افزایش

۱/۴۳ درصدی در میزان فقر اقتصادی خانوارهای شهری منجر می‌شود. نواب‌پور و ترابی کهلان (Navvabpour & Torabi Kahlan, 2024)، با محاسبه و اندازه‌گیری فقر چندبعدی و سهم هر کدام از ابعاد در فقر کلی در سطح استان‌های ایران، با استفاده از روش آلفا-پوستر و داده‌های طرح آمارگیری شاخص‌های چندگانه جمعیت و سلامت سال ۱۳۹۴ شامل ۳۳۰۱۳ خانوار، نشان دادند که علاوه بر استان‌های خوزستان و قم، شاخص فقر چندبعدی در استان‌های واقع در مرزهای شرقی بیشتر بوده است، در حالی که استان‌های واقع در مرزهای شمالی، جنوبی و بخشی از غرب کشور فقر کمتری را تجربه کرده‌اند. سهم هر کدام از ابعاد فقر در فقر کلی نیز نشان داد که نوع محرومیت خانوارهای استان‌های ایران در سال ۱۳۹۴ متفاوت بوده است. عرب و همکاران (Arab et al., 2024)، با بررسی اثرات تجارت خارجی بر فقر چندبعدی در ایران طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۸۰، نشان دادند که در طول دوره مورد بررسی، شاخص فقر چندبعدی در مناطق شهری، روستایی و کل کشور از روند کاهشی برخوردار بوده است؛ همچنین، استان‌های سیستان و بلوچستان و اصفهان، به ترتیب، بیشترین و کمترین مقادیر فقر چندبعدی را دارا بوده‌اند و درجه باز بودن تجارتی تأثیر مستقیم بر شاخص چندبعدی فقر در ایران داشته است، به گونه‌ای که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، با یک واحد افزایش در درجه باز بودن تجارتی، شاخص چندبعدی فقر در ایران حداکثر تا ۰/۱۹۳ واحد در دوره سوم افزایش می‌یابد. همچنین، مفتخری (Moftakhari, 2024)، با بررسی اثرات غیرخطی رفاه اجتماعی بر فقر چندبعدی در کشورهای در حال توسعه طی دوره ۲۰۱۸-۲۰۱۲، نشان داد که وقفه اول فقر چندبعدی و رفاه اجتماعی کمتر از سطح آستانه محاسبه شده (۵۹/۲۷) اثری مثبت بر فقر چندبعدی داشته و تأثیر کنترل فساد، بهداشت و سلامت عمومی و رفاه اجتماعی بیش از سطح آستانه بر فقر چندبعدی در کشورهای در حال توسعه منفی بوده است. رضایی‌فر و همکاران (Rezaeifar et al., 2025)، با استفاده از اطلاعات خام طرح نمونه‌گیری هزینه و درآمد خانوار و بررسی وضعیت فقر چندبعدی در جامعه‌های شهری و روستایی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۴، نشان دادند که نسبت سرشمار فقر، شدت فقر و نیز فقر چندبعدی در بیشتر مناطق شهری و روستایی استان‌های ایران افزایش یافته است؛ همچنین، مناطق شهری استان‌های خراسان شمالی، کهگیلویه و بویراحمد و تهران و مناطق روستایی استان تهران از بیشترین سرشمار تهیدستان برخوردارند. در این پژوهش، نتایج برآورد شدت فقر نیز نشان داد که مناطق شهری استان‌های سیستان و بلوچستان، یزد، سمنان و خراسان جنوبی و مناطق روستایی استان‌های گیلان، مرکزی، یزد، سمنان و اصفهان، بیشترین شدت فقر را داشته‌اند؛ همچنین، به طور کلی، میزان شاخص فقر چندبعدی استان‌های تهران، کهگیلویه و

بویراحمد، البرز، سیستان و بلوچستان، مرکزی، اصفهان، قم، کرمان، یزد و خراسان شمالی بالاتر از دیگر استان‌های کشور بوده است. جم و همکاران (Jam et al., 2025)، با بررسی تأثیر تورم بر سطح فقر چندبعدی در شهر قم طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۸ بر اساس شاخص فقر چندبعدی آلکایر- فوستر، نشان دادند که از دوره دوم تا دهم، نرخ تورم در سطح کلان حدود ۶۱ درصد تغییرات واریانس شاخص فقر چندبعدی را توضیح داده، در حالی که بیش از دوسوم تغییرات تورم توسط خود تورم تبیین شده است؛ همچنین، تورم بر هر کدام از ابعاد فقر مؤثر بوده و احتمال هفت بعد از یازده بعد فقر را افزایش داده است. بر اساس نتایج این پژوهش، با توجه به شاخص ضریب جینی، نابرابری درآمدی بیشترین احتمال ایجاد هر کدام از ابعاد فقر را داشته و رشد اقتصادی، با وجود اثر معنی‌دار، از کمترین احتمال ایجاد هر بعد از فقر برخوردار بوده است؛ همچنین، نرخ بیکاری احتمال فقر آموزشی کودکان، سرپرست خانوار، اینترنت و متراژ مسکن را افزایش داده است.

نتایج مطالعات خارجی و داخلی در حوزه فقر گویای تحولی مفهومی از رویکرد صرفاً درآمدی به‌سوی فقر چندبعدی است که ابعادی مانند سلامت، آموزش، مسکن و استانداردهای زندگی را دربرمی‌گیرد. در سطح بین‌المللی، این تحقیقات بر نقش عوامل ساختاری همچون کیفیت نهادی و نفرین منابع (مانند مطالعات نیجریه) تأکید دارند و نشان می‌دهند که درآمدهای نفتی در بلندمدت نه تنها کاهنده فقر نیستند، بلکه به دلیل تضعیف نهادها و فساد، می‌توانند آن را تشدید کنند. در داخل ایران نیز یافته‌های این‌گونه پژوهش‌ها گویای گسترش چشمگیر این ناترازی در سطح استان‌هاست، به‌گونه‌ای که استان‌های مرزی شرق کشور و برخی استان‌های مرکزی بالاترین سطح محرومیت را تجربه می‌کنند. همچنین، تأثیر عواملی مانند درآمدهای نفتی (در بلندمدت)، تورم، بیکاری و درجه باز بودن تجارتی بر افزایش فقر چندبعدی معنی‌دار بوده و با وجود برخی نوسان‌های کاهشی، طی سال‌های اخیر، شاخص فقر چندبعدی در بسیاری از مناطق کشور روندی افزایشی داشته است، که لزوم بازنگری در سیاست‌های رفاهی و معیشتی با رویکردی استانی و چندبعدی را ضروری می‌سازد. مرور مطالعات پیشین بیانگر آن است که تاکنون مطالعه‌ای در داخل کشور به بررسی آثار درآمدهای نفتی بر فقر چندبعدی در مناطق روستایی ایران نپرداخته و از این‌رو، در پژوهش حاضر، با به‌کارگیری الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) بدین موضوع مهم پرداخته شده است.

مواد و روش‌ها

در پژوهش حاضر، برای بررسی آثار درآمدهای نفتی بر فقر چندبعدی در مناطق روستایی ایران از مدل خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) استفاده شده که مزیت عمده آن نسبت به مدل

خودرگرسیون برداری^۱ اولیه این است که برخلاف مدل خودرگرسیون برداری (VAR) که در آن، شناسایی تکانه‌های ساختاری به‌طور ضمنی صورت می‌گیرد، مدل خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR)، به‌طور صریح، دارای یک منطق اقتصادی مبتنی بر نظریه‌های اقتصادی برای اعمال قیود و محدودیت‌هاست. برای این کار، لازم است که تابع واکنش آنی^۲ محاسبه شود. با استفاده از این معیار، می‌توان مدت‌زمان تأثیر تکانه و حداکثر تأثیر آن را پس از وقوع مشخص کرد (Chatziantoniou et al., 2013). به پیروی از مطالعه چاتزی‌آنتونیو و همکاران (Chatziantoniou et al., 2013)، مدل خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) مطالعه حاضر از مرتبه P به‌صورت رابطه زیر است:

$$A_0 Y_t = C_0 + \sum_{i=1}^p A_i Y_{t-i} + \varepsilon_t \quad (8)$$

که در آن، Y_t یک بردار 8×1 از متغیرهای سیستم به‌صورت رابطه (۹) است (Ngo & Lee, 2025; Nurlina et al., 2024; Asongu & Eita, 2023; Nguyen et al., 2019; Tasan et al., 2021):

$$Y_t = [MPR \ OIL \ RGDP \ INF \ UNE \ EXR \ CEF \ EDU] \quad (9)$$

که در آن، MPR شاخص فقر چندبعدی در مناطق روستایی، OIL درآمد صادرات نفت (هزار میلیارد ریال)، RGDP تولید ناخالص داخلی واقعی (هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰)، INF نرخ تورم (درصد)، UNE نرخ بیکاری (درصد)، EXR نرخ ارز (ریال / دلار آمریکا)، CEF بهره‌وری سرمایه (نسبت تولید ناخالص داخلی به موجودی سرمایه)، EDU متغیر تحصیلات (میانگین کلیه سال‌های تحصیل برای جمعیت ۲۳ سال به بالا)، A_0 ماتریس 8×8 ضرایب هم‌زمان، C_0 بردار 8×1 جملات ثابت، A_i ماتریس 8×8 ضرایب خودرگرسیون و ε_t بردار 8×1 اختلالات ساختاری با فرض داشتن کوواریانس صفر است. برای دستیابی به فرم تعدیل‌شده مدل ساختاری، طرفین رابطه (۹) در A_0^{-1} ضرب می‌شود؛ بنابراین، خواهیم داشت:

$$Y_t = a_0 + \sum_{i=1}^p B_i Y_{t-i} + e_t \quad (10)$$

-
1. Vector Auto-Regressive (VAR)
 2. Impulse Response Function (IRF)

به گونه‌ای که $A_0^{-1}C_0 = a_0$ و $e_t = A_0^{-1}\varepsilon_t$ در نتیجه معادله بردار تکنه‌ها به صورت رابطه زیر خواهد بود:

$$\varepsilon_t = A_0 e_t \quad (11)$$

بنابراین، معادلات هم‌زمان ساختاری و ارتباط متغیرهای مطالعه به صورت زیر است:

$$\begin{bmatrix} \varepsilon_{1t}^{MPR} \\ \varepsilon_{2t}^{OIL} \\ \varepsilon_{3t}^{RGDP} \\ \varepsilon_{4t}^{INF} \\ \varepsilon_{5t}^{UNE} \\ \varepsilon_{6t}^{EXR} \\ \varepsilon_{7t}^{CEF} \\ \varepsilon_{8t}^{EDU} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \alpha_{11} & \alpha_{12} & \alpha_{13} & \alpha_{14} & \alpha_{15} & \alpha_{16} & \alpha_{17} & \alpha_{18} \\ 0 & \alpha_{22} & \alpha_{23} & 0 & 0 & \alpha_{26} & 0 & 0 \\ \alpha_{31} & \alpha_{32} & \alpha_{33} & \alpha_{34} & \alpha_{35} & \alpha_{36} & \alpha_{37} & \alpha_{38} \\ 0 & \alpha_{42} & \alpha_{43} & \alpha_{44} & \alpha_{45} & \alpha_{46} & \alpha_{47} & 0 \\ \alpha_{51} & \alpha_{52} & \alpha_{53} & \alpha_{54} & \alpha_{55} & \alpha_{56} & \alpha_{57} & \alpha_{58} \\ 0 & \alpha_{62} & \alpha_{63} & 0 & 0 & \alpha_{66} & 0 & 0 \\ 0 & \alpha_{72} & \alpha_{73} & \alpha_{74} & \alpha_{75} & \alpha_{76} & \alpha_{77} & 0 \\ \alpha_{81} & \alpha_{82} & 0 & \alpha_{84} & \alpha_{85} & \alpha_{86} & \alpha_{87} & 0 \end{bmatrix} \times \begin{bmatrix} e_{1t}^{MPR} \\ e_{2t}^{OIL} \\ e_{3t}^{RGDP} \\ e_{4t}^{INF} \\ e_{5t}^{UNE} \\ e_{6t}^{EXR} \\ e_{7t}^{CEF} \\ e_{8t}^{EDU} \end{bmatrix} \quad (12)$$

به گونه‌ای که بردار $\varepsilon_{it} = [\varepsilon_{1t}^{MPR} \varepsilon_{2t}^{OIL} \varepsilon_{3t}^{RGDP} \varepsilon_{4t}^{INF} \varepsilon_{5t}^{UNE} \varepsilon_{6t}^{EXR} \varepsilon_{7t}^{CEF} \varepsilon_{8t}^{EDU}]$ شامل اختلالات ساختاری است که در آن، ε_{1t}^{MPR} تکنه مربوط به شاخص فقر چندبعدی در مناطق روستایی، ε_{2t}^{OIL} تکنه مربوط به درآمد صادرات نفت، ε_{3t}^{RGDP} تکنه مربوط به تولید ناخالص داخلی واقعی، ε_{4t}^{INF} تکنه مربوط به نرخ تورم، ε_{5t}^{UNE} تکنه مربوط به نرخ بیکاری، ε_{6t}^{EXR} تکنه مربوط به نرخ ارز، ε_{7t}^{CEF} تکنه مربوط به بهره‌وری سرمایه و ε_{8t}^{EDU} تکنه مربوط به متغیر تحصیلات است. همچنین، بر اساس مرور مطالعات سن (Sen, 1981)، نورلینا و همکاران (Nurlina et al., 2024)، آسونگو و ایتا (Asongu & Eita, 2023)، انگوین و همکاران (Nguyen et al., 2019) و تاسان و همکاران (Tasan et al., 2021)، محدودیت‌های زیر در مدل در نظر گرفته شدند:

- محدودیت سطر اول ماتریس برآمده از این واقعیت است که فقر چندبعدی در مناطق روستایی از تکنه‌های خود متغیر، درآمد صادرات نفت، تولید ناخالص داخلی واقعی، نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ ارز، بهره‌وری سرمایه و متغیر تحصیلات تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، خواهیم داشت:

$$\varepsilon_{1t}^{MPR} = \alpha_{11}e_{1t}^{MPR} + \alpha_{12}e_{2t}^{OIL} + \alpha_{13}e_{3t}^{RGDP} + \alpha_{14}e_{4t}^{INF} + \alpha_{15}e_{5t}^{UNE} + \alpha_{16}e_{6t}^{EXR} + \alpha_{17}e_{7t}^{CEF} + \alpha_{18}e_{8t}^{EDU} \quad (13)$$

- محدودیت سطر دوم ماتریس برآمده از این واقعیت است که درآمد صادرات نفت از تکانه‌های تولید ناخالص داخلی واقعی، خود متغیر و نرخ ارز تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، خواهیم داشت:

$$\varepsilon_{2t}^{OIL} = \alpha_{22}e_{2t}^{OIL} + \alpha_{23}e_{3t}^{RGDP} + \alpha_{26}e_{6t}^{EXR} \quad (14)$$

- محدودیت سطر سوم ماتریس برآمده از این واقعیت است که تولید ناخالص داخلی واقعی از تکانه‌های فقر چندبعدی در مناطق روستایی، درآمد صادرات نفت، خود متغیر، نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ ارز، بهره‌وری سرمایه و متغیر تحصیلات تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، خواهیم داشت:

$$\varepsilon_{3t}^{RGDP} = \alpha_{31}e_{1t}^{MPR} + \alpha_{32}e_{2t}^{OIL} + \alpha_{33}e_{3t}^{RGDP} + \alpha_{34}e_{4t}^{INF} + \alpha_{35}e_{5t}^{UNE} + \alpha_{36}e_{6t}^{EXR} + \alpha_{37}e_{7t}^{CEF} + \alpha_{38}e_{8t}^{EDU} \quad (15)$$

- محدودیت سطر چهارم ماتریس برآمده از این واقعیت است که نرخ تورم از تکانه‌های درآمد صادرات نفت، تولید ناخالص داخلی واقعی، خود متغیر، نرخ بیکاری، نرخ ارز و بهره‌وری سرمایه تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، خواهیم داشت:

$$\varepsilon_{4t}^{INF} = \alpha_{42}e_{2t}^{OIL} + \alpha_{43}e_{3t}^{RGDP} + \alpha_{44}e_{4t}^{INF} + \alpha_{45}e_{5t}^{UNE} + \alpha_{46}e_{6t}^{EXR} + \alpha_{47}e_{7t}^{CEF} \quad (16)$$

- محدودیت سطر پنجم ماتریس برآمده از این واقعیت است که نرخ بیکاری از تکانه‌های فقر چندبعدی، درآمد صادرات نفت، تولید ناخالص داخلی واقعی، نرخ تورم، خود متغیر، نرخ ارز، بهره‌وری سرمایه و متغیر تحصیلات تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، خواهیم داشت:

$$\varepsilon_{5t}^{UNE} = \alpha_{51}e_{1t}^{MPR} + \alpha_{52}e_{2t}^{OIL} + \alpha_{53}e_{3t}^{RGDP} + \alpha_{54}e_{4t}^{INF} + \alpha_{55}e_{5t}^{UNE} + \alpha_{56}e_{6t}^{EXR} + \alpha_{57}e_{7t}^{CEF} + \alpha_{58}e_{8t}^{EDU} \quad (17)$$

- محدودیت سطر ششم ماتریس برآمده از این واقعیت است که نرخ ارز از تکانه‌های درآمد صادرات نفت، تولید ناخالص داخلی واقعی و خود متغیر تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، خواهیم داشت:

$$\varepsilon_{6t}^{EXR} = \alpha_{62}e_{2t}^{OIL} + \alpha_{63}e_{3t}^{RGDP} + \alpha_{66}e_{6t}^{EXR} \quad (18)$$

- محدودیت سطر هفتم ماتریس برآمده از این واقعیت است که بهره‌وری سرمایه از تکانه‌های درآمد صادرات نفت، تولید ناخالص داخلی واقعی، نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ ارز و خود متغیر تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، خواهیم داشت:

$$\varepsilon_{7t}^{CEF} = \alpha_{72}e_{2t}^{OIL} + \alpha_{73}e_{3t}^{RGDP} + \alpha_{74}e_{4t}^{INF} + \alpha_{75}e_{5t}^{UNE} + \alpha_{76}e_{6t}^{EXR} + \alpha_{77}e_{7t}^{CEF} \quad (19)$$

- محدودیت سطر هشتم ماتریس برآمده از این واقعیت است که متغیر تحصیلات از تکانه‌های تولید ناخالص داخلی واقعی، نرخ تورم و خود متغیر تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، خواهیم داشت:

$$\varepsilon_{8t}^{EDU} = \alpha_{83}e_{3t}^{RGDP} + \alpha_{84}e_{4t}^{INF} + \alpha_{88}e_{8t}^{EDU} \quad (20)$$

به‌منظور برآورد الگوی موردبررسی، اولین گام در مدل‌سازی سری‌های زمانی بررسی ریشه واحد متغیرهاست. این آزمون برای جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب انجام می‌شود. در پژوهش حاضر، از آزمون فیلیپس-پرون استفاده شده است. دلیل انتخاب این آزمون نسبت به آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته، توانایی آن در کنترل همبستگی سریالی و ناهمسانی واریانس بدون نیاز به تعیین تعداد وقفه‌های بهینه است. بعد از بررسی آزمون ریشه واحد، با استفاده از معیار اطلاعاتی شوارتز-بیزین، طول وقفه بهینه مدل تعیین می‌شود. در ادامه، آزمون هم‌انباشتگی یوهانسون-یوسیلیوس نیز برای بررسی وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها ب کار گرفته می‌شود.

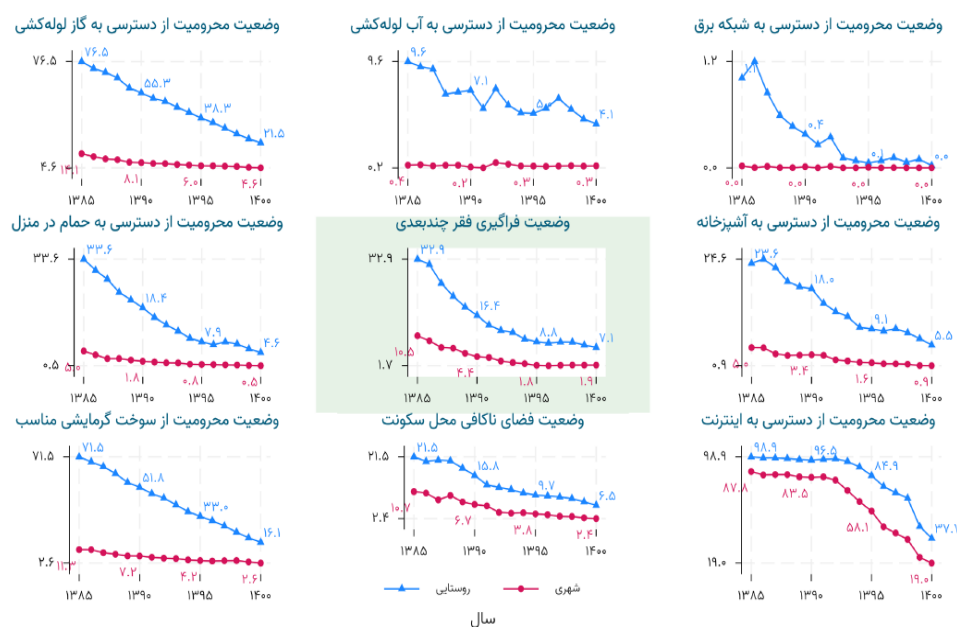
داده‌های مربوط به متغیرهای تحقیق شامل درآمد صادرات نفت، تولید ناخالص داخلی واقعی، نرخ تورم، نرخ ارز و بهره‌وری سرمایه از بانک مرکزی ایران، نرخ بیکاری و سطح تحصیلات از پایگاه آماری مرکز آمار ایران و در نهایت، نرخ فقر چندبعدی نیز از محاسبات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی طی دوره ۱۴۰۲-۱۳۸۵ گردآوری شده و در نهایت، برای تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار EViews استفاده شده است.

نتایج و بحث

در این بخش، قبل از پرداختن به یافته‌های تحقیق، به تشریح وضعیت فقر بر مبنای شاخص فقر چندبعدی در مناطق روستایی و شهری کشور پرداخته شده است.

وضعیت فقر چندبعدی در ایران

تغییرات زیرشاخص‌های مربوط به محاسبه شاخص فقر چندبعدی برای سنجش وضعیت محرومیت افراد از دسترسی به خدمات زیرساخت و امکانات زندگی در نمودار ۱، وضعیت شاخص، شدت و فراگیری فقر چندبعدی در ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی و کل کشور در نمودار ۲ و وضعیت شاخص فقر چندبعدی به تفکیک استان‌های کشور در نمودار ۳ ارائه شده است.

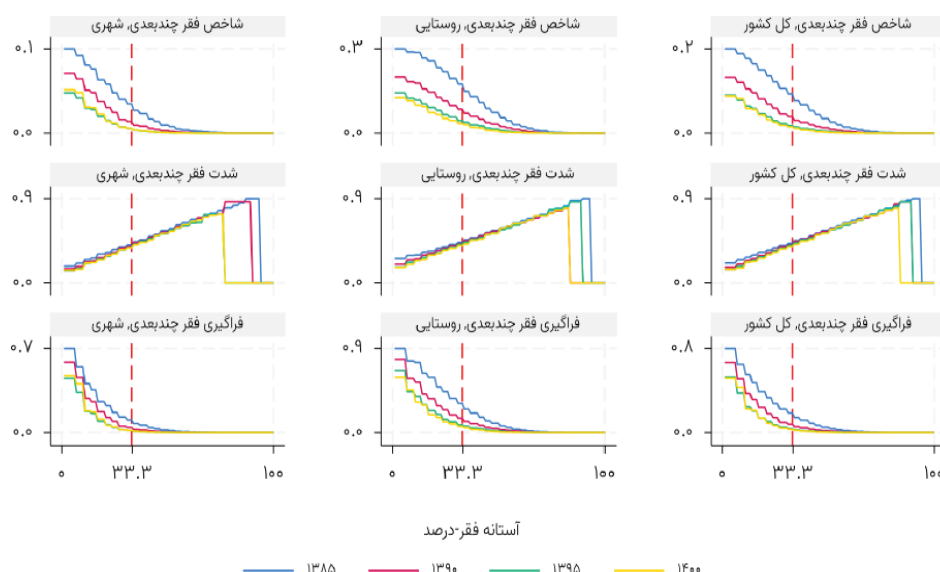


مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران (IPRCI, 2024)

نمودار ۱- تغییرات نرخ محرومیت از دسترسی به خدمات زیرساخت و امکانات زندگی و تغییرات فراگیری فقر چندبعدی در خانوارهای شهری و روستایی کشور (۱۳۸۵-۱۴۰۰)

همان‌گونه که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، طی دوره مورد بررسی، زیرشاخص‌های فقر چندبعدی در زیرساخت‌ها و استانداردهای زندگی مناطق شهری، روستایی و کل کشور روند کاهشی

داشته است. در تمامی زیرشاخص‌ها (از جمله مسکن، انرژی پاک، آب آشامیدنی، بهداشت و آموزش)، نرخ محرومیت در مناطق روستایی همواره بالاتر از مناطق شهری بوده است، اما هر دو منطقه روند کاهشی را تجربه کرده‌اند. این موضوع ضرورت تمرکز ویژه بر مناطق روستایی در سیاست‌گذاری‌های دولت را تأیید می‌کند.

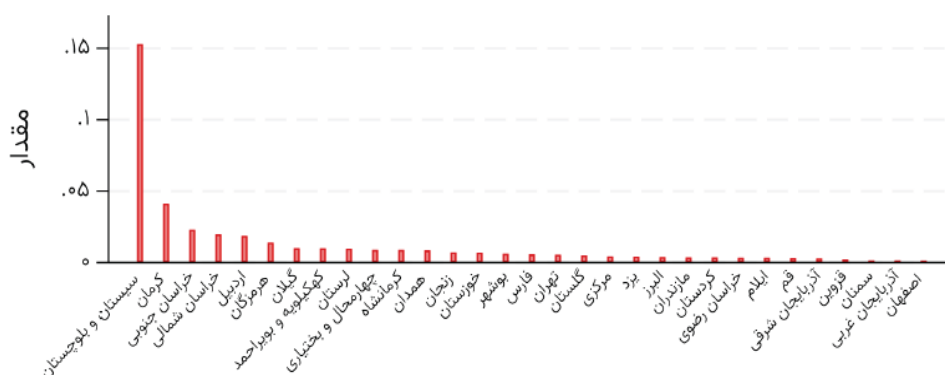


مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران (IPRCI, 2024)

نمودار ۲- شاخص، شدت و فراگیری فقر چندبعدی در مناطق شهری، روستایی و کل کشور

همان‌گونه که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود، روند شدت و فراگیری شاخص فقر چندبعدی در مناطق شهری، روستایی و کل کشور در دوره‌های زمانی مختلف کاهشی بوده، به‌گونه‌ای که شاخص فقر چندبعدی در سطح ملی از مقدار ۰/۰۸ در سال ۱۳۸۵ به ۰/۰۱ در سال ۱۴۰۰ کاهش یافته است. در این مدت، فراگیری فقر چندبعدی در کل کشور از ۱۸/۲ درصد به ۳/۱ درصد، در مناطق شهری از ۱۰/۴ درصد به ۱/۹ درصد و در مناطق روستایی از ۳۲/۸ درصد به هفت درصد کاهش یافته است. همچنین، شدت فقر چندبعدی از روند افزایشی و فراگیری فقر چندبعدی از روند کاهشی برخوردار بوده است. به بیان دیگر، اگرچه تعداد افراد فقیر کاهش یافته، اما محرومیت افرادی که همچنان در فقر باقی مانده‌اند، شدیدتر شده است.

بررسی آثار درآمدهای نفتی بر فقر چندبعدی در.....



مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران (IPRCI, 2024)

نمودار ۳- شاخص فقر چندبعدی به تفکیک استان‌های کشور

مقدار شاخص فقر چندبعدی در سطح استان‌های کشور نیز نشان‌دهنده بیشترین مقدار این شاخص در استان سیستان و بلوچستان و کمترین مقدار آن در استان اصفهان است. این موضوع لزوم توجه به ویژگی‌های منطقه‌ای (از جمله شرایط اقلیمی و جغرافیایی) در طراحی سیاست‌های کاهش فقر را آشکار می‌سازد.

معمولاً سری‌های زمانی ناپایاست و این مسئله امکان بروز رگرسیون کاذب را ایجاد می‌کند. از این‌رو، پیش از برآورد مدل، باید ایستایی متغیرها بررسی شود، که نتایج آن با آزمون فیلیپس- پرون در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- نتایج آزمون فیلیپس- پرون

متغیر	در سطح		در تفاضل مرتبه اول	
	PP	مقدار بحرانی	PP	مقدار بحرانی
MPR: شاخص فقر چندبعدی روستایی	-۱/۳۹	-۲/۶۳	-۳/۶۱	-۲/۹۳
OIL: درآمد صادرات نفت	-۱/۷۳	-۲/۷۷	-۳/۸۲	-۲/۸۸
RGDP: تولید ناخالص داخلی واقعی	-۱/۶۵	-۲/۴۱	-۳/۷۳	-۲/۷۸
INF: نرخ تورم	-۱/۷۰	-۲/۹۱	-۳/۷۹	-۲/۸۱
UNE: نرخ بیکاری	-۱/۸۱	-۲/۹۴	-۳/۶۶	-۲/۸۳
EXR: نرخ ارز	-۱/۵۹	-۲/۹۳	-۳/۷۳	-۲/۸۷
CEF: بهره‌وری سرمایه	-۱/۴۷	-۲/۶۱	-۳/۶۴	-۲/۷۶
EDU: متغیر تحصیلات	-۱/۱۸	-۲/۴۲	-۳/۷۷	-۲/۷۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون فیلیپس- پرون نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای تحقیق در سطح ایستا نیستند، بلکه پس از یک بار تفاضل‌گیری، ایستا می‌شوند ($I(1)$). علاوه بر این، با افزایش وقفه، درجه آزادی سیستم کاهش می‌یابد، از این رو، در تصریح مدل خودرگرسیون برداری، پس از بررسی ایستایی، باید طول وقفه بهینه مدل تعیین شود. بدین منظور، از معیار شوارتز- بیزین که تا حد امکان در انتخاب وقفه صرفه‌جویی می‌کند، استفاده شده است (Wooldridge, 2016). نتایج تعیین وقفه بهینه در جدول ۲ ارائه شده است. یافته‌های یادشده نشان می‌دهد که کمترین مقدار آماره شوارتز- بیزین مربوط به وقفه اول بوده و وقفه بهینه الگوی ۱ است.

جدول ۲- نتایج تعیین وقفه بهینه

طول وقفه	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
SCB	-۱۵/۳۸	-۲۱/۷۸	-۲۱/۶۴	-۲۰/۴۱	-۲۰/۳۵	-۱۹/۳۹	-۱۹/۰۶	-۱۸/۹۲	-۱۷/۰۱	-۱۶/۴۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش

علاوه بر این، برای بررسی هم‌انباشتگی بین متغیرها، از روش یوهانسون- یوسیلیوس استفاده شده است. در این روش، از آزمون‌های اثر و حداکثر مقادیر ویژه استفاده می‌شود، که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳- نتایج آزمون اثر و حداکثر مقادیر ویژه برای تعیین تعداد بردارهای هم‌انباشته

آزمون اثر	H_0	H_1	آماره	مقدار بحرانی	H_0	H_1	آماره	مقدار بحرانی
آزمون اثر	$r = 0$	$r \geq 1$	۹۲/۳۷	۱۰۶/۰۶	$r = 0$	$r \geq 1$	۹۲/۳۷	۱۰۶/۰۶
	$r \leq 1$	$r \geq 2$	۶۲/۹۵	۶۳/۶۱	$r \leq 1$	$r \geq 2$	۶۲/۹۵	۶۳/۶۱
	$r \leq 2$	$r \geq 3$	۳۹/۸۴	۴۱/۴۴	$r \leq 2$	$r \geq 3$	۳۹/۸۴	۴۱/۴۴
	$r \leq 3$	$r \geq 4$	۳۳/۸۸	۳۸/۲۶	$r \leq 3$	$r \geq 4$	۳۳/۸۸	۳۸/۲۶
	$r \leq 4$	$r \geq 5$	۱۹/۶۸	۲۲/۳۴	$r \leq 4$	$r \geq 5$	۱۹/۶۸	۲۲/۳۴
	$r \leq 5$	$r \geq 6$	۱۴/۶۱	۱۹/۳۹	$r \leq 5$	$r \geq 6$	۱۴/۶۱	۱۹/۳۹
	$r \leq 6$	$r \geq 7$	۹/۹۹	۱۶/۰۱	$r \leq 6$	$r \geq 7$	۹/۹۹	۱۶/۰۱
	$r \leq 7$	$r \geq 8$	۳/۲۲	۱۰/۶۳	$r \leq 7$	$r \geq 8$	۳/۲۲	۱۰/۶۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

از آنجا که مدل تحقیق شامل هشت متغیر بوده، امکان وجود هفت رابطه هم‌انباشته بین آنها وجود داشته است. مطابق نتایج یادشده، مقادیر آماره هر دو آزمون از مقادیر بحرانی در سطح ۹۵

درصد کوچک‌تر است. در نتیجه، بین متغیرهای تحقیق ارتباط هم‌انباشته یا بلندمدت وجود ندارد. پس از بررسی هم‌انباشتگی، تابع واکنش آنی (IRF) فقر چندبعدی مناطق روستایی نسبت به متغیرهای توضیحی تحقیق برآورد شده، که نتایج آنها در نمودارهای ۴ تا ۱۰ ارائه شده است.

در توابع واکنش آنی، آزمون معنی‌داری نتایج با استفاده از فاصله اطمینان ۹۵ درصد صورت گرفته و فواصل اطمینان با خطوط نقطه‌چین نشان داده شده است. در صورتی که هر دو خطوط نقطه‌چین بالاتر یا پایین‌تر از محور افقی قرار گیرند، اثر تکانه‌ها از لحاظ آماری معنی‌دار است. همان‌گونه که یافته‌های نمودارهای یادشده نشان می‌دهد، در تمامی موارد، فقر چندبعدی روستایی^۱ بین خطوط نقطه‌چین قرار گرفته، که بیانگر تأثیر معنی‌دار متغیرهای مورد بررسی بر فقر چندبعدی مناطق روستایی (MPR) در ایران است. همان‌گونه که در نمودار ۴ نشان داده شده، تأثیر درآمد صادرات نفت بر شاخص فقر چندبعدی روستایی در ایران معنی‌دار و مستقیم است، به گونه‌ای که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، با یک واحد افزایش در درآمد صادرات نفت، شاخص فقر چندبعدی روستایی در ایران در دوره اول ۰/۱۷۳ واحد، در دوره دوم ۰/۲۳۹ واحد و در دوره سوم حداکثر ۰/۲۹۵ واحد افزایش می‌یابد، زیرا به دلیل بیماری هلندی در اقتصاد ایران، افزایش درآمدهای نفتی به زیان سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و سرمایه مالی به‌ویژه در بخش‌ها و مناطق کم‌برخوردارتر است و در نتیجه، موجب کاهش رشد اقتصادی و افزایش فقر به‌ویژه در مناطق روستایی می‌شود. اثرگذاری درآمدهای نفتی بر افزایش فقر چندبعدی در مناطق روستایی (MPR) در پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعات ملکی شهرپور (Maleki Shahrivar, 2018) و اُنوئِمکا (Onwuemeka, 2024) در خصوص اثر بلندمدت منفی درآمدهای نفتی بر فقر و نقش نهادهای ضعیف در تشدید این پدیده همخوانی دارد.

همچنین، نمودار ۵ نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی (GDP) واقعی از تأثیر معنی‌دار معکوس بر شاخص فقر چندبعدی روستایی (MPR) در ایران برخوردار است، به گونه‌ای که، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، با یک واحد افزایش در GDP واقعی، MPR در ایران در دوره اول ۰/۱۷۹ واحد، در دوره دوم ۰/۲۴۳ واحد و در دوره سوم حداکثر ۰/۳۰۱ واحد کاهش می‌یابد، زیرا با افزایش GDP واقعی، درآمد عوامل تولید افزایش و در نتیجه، MPR کاهش می‌یابد. علاوه بر این، نمودار ۶ نشان می‌دهد که نرخ تورم (INF) از تأثیر معنی‌دار مستقیم بر شاخص فقر چندبعدی روستایی (MPR) در ایران برخوردار است، به گونه‌ای که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، با یک واحد افزایش در نرخ تورم، MPR در ایران در دوره اول ۰/۲۳۲ واحد، در دوره دوم ۰/۳۲۰ واحد و در دوره سوم

1. Multidimensional Poverty in Rural Regions (MPR)

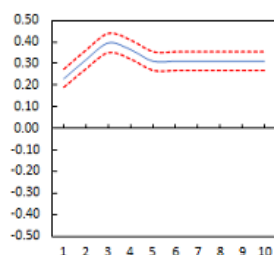
حداکثر ۰/۳۹۶ واحد افزایش می‌یابد، زیرا با افزایش INF، قدرت خرید خانوارها کاهش و در نتیجه، MPR افزایش می‌یابد.

نمودار ۷ نشان می‌دهد که نرخ بیکاری (UNE) از تأثیر معنی‌دار مستقیم بر شاخص فقر چندبعدی روستایی (MPR) در ایران برخوردار است، به گونه‌ای که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، با یک واحد افزایش در UNE، شاخص MPR در ایران در دوره اول ۰/۱۸۴ واحد، در دوره دوم ۰/۲۵۴ واحد و در دوره سوم حداکثر ۰/۳۱۵ واحد افزایش می‌یابد، زیرا با افزایش UNE، درآمد و قدرت خرید خانوارها کاهش و در نتیجه، شاخص MPR افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، نمودار ۸ نشان می‌دهد که نرخ ارز (EXR) از تأثیر مستقیم بر شاخص فقر چندبعدی روستایی (MPR) در ایران برخوردار است، به گونه‌ای که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، با یک واحد افزایش در EXR، شاخص MPR در ایران در دوره اول ۰/۱۵۳ واحد، در دوره دوم ۰/۲۱۱ واحد و در دوره سوم حداکثر ۰/۲۶۱ واحد افزایش می‌یابد، زیرا با افزایش EXR، شاخص‌های نرخ تورم (EXR) و قدرت خرید (PP) خانوارها کاهش و در نتیجه، شاخص MPR نیز افزایش می‌یابد.

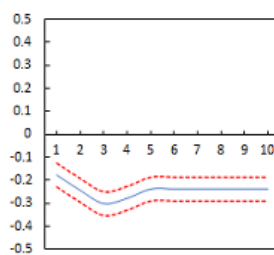
همچنین، نمودار ۹ نشان می‌دهد که بهره‌وری سرمایه (CEF) از تأثیر معنی‌دار معکوس بر شاخص فقر چندبعدی فقر در مناطق روستایی (MPR) ایران برخوردار است، به گونه‌ای که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، با یک واحد افزایش در CEF، شاخص MPR در ایران در دوره اول ۰/۱۳۱ واحد، در دوره دوم ۰/۱۸۰ واحد و در دوره سوم حداکثر ۰/۲۲۳ واحد کاهش می‌یابد، زیرا با افزایش CEF، از طریق افزایش کارایی تولید و درآمدزایی، MPR کاهش می‌یابد. نتایج مربوط به تأثیر منفی تولید ناخالص داخلی (GDP) و بهره‌وری سرمایه (CEF) و تأثیر مثبت نرخ تورم (INF) و نرخ بیکاری (UNE) بر فقر چندبعدی در مناطق روستایی (MPR) با شواهد ارائه‌شده توسط ژائو و همکاران (Zhao et al., 2024) و جم و همکاران (Jam et al., 2025) در خصوص عوامل تعیین‌کننده فقر چندبعدی شامل بیماری، کمبود اشتغال، و تورم سازگار است. علاوه بر این، نمودار ۱۰ نشان می‌دهد که متغیر تحصیلات (EDU) از تأثیر معنی‌دار معکوس بر شاخص فقر چندبعدی در مناطق روستایی (MPR) در ایران برخوردار است، به گونه‌ای که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، با یک واحد افزایش در متغیر EDU، شاخص MPR در ایران در دوره اول ۰/۱۲۷ واحد، در دوره دوم ۰/۱۷۵ واحد و در دوره سوم حداکثر ۰/۲۱۶ واحد کاهش می‌یابد، زیرا افزایش EDU، از طریق تقویت سرمایه انسانی، زمینه کاهش فقر را فراهم می‌کند. اثر معکوس تحصیلات (EDU) بر فقر چندبعدی در مناطق روستایی (MPR) در پژوهش حاضر یافته‌های چیجیوک و اولیسه (Chijioke & Olisah, 2023) و دانسو-آبه‌آم

(Danso-Abbeam, 2025) را تأیید می‌کند که بر نقش سرمایه انسانی و تنوع‌بخشی اقتصادی در کاهش فقر تأکید داشته‌اند.

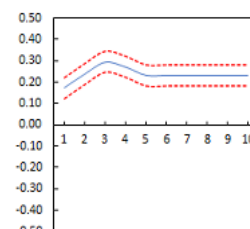
به‌طور کلی، بررسی توابع واکنش آنی (IRF) نشان می‌دهد که شاخص فقر چندبعدی در مناطق روستایی (MPR) در ایران در برابر تکانه‌های متغیرهای کلان اقتصادی واکنش معنی‌دار نشان می‌دهد، به‌گونه‌ای که تکانه‌های مثبت درآمد نفتی (OIL)، تورم (INF)، بیکاری (UNE) و نرخ ارز (EXR)، فقر چندبعدی در مناطق روستایی (MPR) را تشدید می‌کنند و تکانه‌های مثبت تولید ناخالص داخلی (GDP)، بهره‌وری سرمایه (CEF) و تحصیلات (EDU) شاخص MPR را کاهش می‌دهند. بیشترین تأثیر افزایشی بر فقر مربوط به تکانه INF با حداکثر ۰/۳۹۶ واحد و بیشترین تأثیر کاهش‌ی مربوط به تکانه GDP با حداکثر ۰/۳۰۱ واحد است. همچنین، تمامی تکانه‌ها بیشترین اثر خود را در دوره سوم اعمال می‌کنند، که بیانگر وجود وقفه زمانی در انتقال آثار سیاست‌ها و تکانه‌های اقتصادی به سطح فقر روستایی است. در مجموع، نتایج پژوهش حاضر در چارچوب نظریه بیماری هلندی و رویکرد سن (Sen, 1981) قابل تفسیر بوده و با نتایج پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی در زمینه تأثیرات ساختاری و نهادی درآمدهای نفتی بر فقر چندبعدی سازگار است.



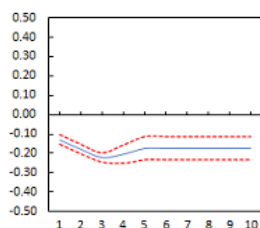
نمودار ۶- واکنش آنی
MPR به INF



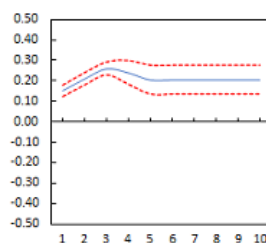
نمودار ۵- واکنش آنی
MPR به GDP



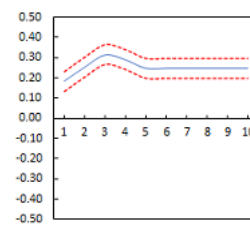
نمودار ۴- واکنش آنی
MPR به OIL



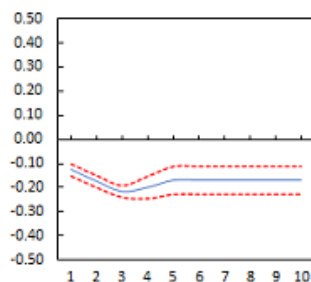
نمودار ۹- واکنش آنی
MPR به CEF



نمودار ۸- واکنش آنی
MPR به EXR



نمودار ۷- واکنش آنی
MPR به UNE



نمودار ۱۰- واکنش آنی

EDU به MPR

جمع‌بندی و پیشنهادها

امروزه، در بسیاری از کشورها، شاخص فقر چندبعدی به‌طور رسمی و سالانه محاسبه می‌شود. در این راستا، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۲ به طراحی شاخص فقر چندبعدی ملی بر اساس روش آلکایر- فوستر و منطبق بر شرایط حاکم بر ایران مبتنی بر پنج شاخص اصلی سلامت، آموزش، زیرساخت، امکانات رفاهی و مسکن پرداخت. در پژوهش حاضر نیز به بررسی آثار درآمدهای نفتی بر فقر چندبعدی در مناطق روستایی ایران پرداخته شد. بدین منظور، داده‌های مورد نیاز از بانک مرکزی ایران، مرکز آمار ایران و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی طی دوره ۱۳۸۵-۱۴۰۲ گردآوری و سپس، فصلی‌سازی شد. در نهایت، تجزیه و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از رهیافت مدل خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) و نرم‌افزار EViews صورت گرفت.

یافته‌های مطالعه حاضر تصویری روشن از چگونگی تأثیر درآمدهای نفتی بر فقر چندبعدی در مناطق روستایی ایران ارائه می‌دهد. درآمدهای نفتی تأثیر معنی‌دار و مستقیم بر شاخص فقر چندبعدی روستایی در ایران دارند، به‌گونه‌ای که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، با یک واحد افزایش در درآمد صادرات نفت، شاخص فقر چندبعدی روستایی در دوره اول ۰/۱۷۳ واحد، در دوره دوم ۰/۲۳۹ واحد و در دوره سوم حداکثر ۰/۲۹۵ واحد افزایش می‌یابد. استدلال اصلی پژوهش حاضر در مورد سازوکار اثرگذاری درآمدهای نفتی بر فقر روستایی بر اساس پدیده بیماری هلندی استوار است؛ به بیان دقیق‌تر، افزایش درآمدهای نفتی از دو مسیر (کانال) اصلی به تشدید فقر چندبعدی در مناطق روستایی منجر می‌شود: نخست، از طریق تضعیف سرمایه انسانی (کاهش کیفیت آموزش و بهداشت در مناطق محروم) و دیگری، از طریق تضعیف سرمایه فیزیکی و مالی (کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد

مانند کشاورزی). این یافته حائز اهمیت است و نشان می‌دهد که علی‌رغم کاهش روند کلی فقر چندبعدی در کشور طی دوره مورد بررسی (از ۰/۰۸ در سال ۱۳۸۵ به ۰/۰۱ در سال ۱۴۰۰)، توزیع منافع حاصل از درآمدهای نفتی به گونه‌ای بوده که ثروتمندان را بیشتر منتفع کرده و وضعیت توزیع درآمد بدتر شده است. به دیگر سخن، اگرچه شاخص کل فقر کاهش یافته، اما شکاف فقر بین مناطق مختلف و به‌ویژه بین شهر و روستا همچنان پابرجاست. در راستای نتایج مطالعه حاضر و برای کاهش آثار نامطلوب درآمدهای نفتی بر فقر چندبعدی روستایی، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- با توجه به اثرگذاری منفی درآمدهای نفتی بر فقر روستایی، لازم است که سهمی مشخص از منابع ذخیره‌شده در صندوق توسعه ملی به توسعه زیرساخت‌ها و بهبود شاخص‌های فقر چندبعدی در مناطق روستایی اختصاص یابد. این تخصیص باید معطوف به بهبود شاخص‌های سلامت، آموزش، مسکن و امکانات رفاهی در این مناطق باشد.
- ضعف زیرساخت‌های ارتباطی، آموزشی، بهداشتی و رفاهی در نواحی روستایی دور از مرکز یکی از علل اصلی تداوم فقر در این مناطق است. از این رو، لازم است که دولت با برنامه‌ریزی بلندمدت، به توسعه و بهبود این زیرساخت‌ها اقدام کند تا زمینه کاهش محرومیت در این مناطق فراهم شود.
- با توجه به تفاوت‌های اقلیمی و جغرافیایی استان‌های کشور، شایسته است که سیاست‌های کاهش فقر با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص هر منطقه طراحی شود. برای نمونه، در استان سیستان و بلوچستان، با توجه به شرایط اقلیمی خاص، برنامه‌های بهبود تاب‌آوری و سازگاری با تغییر اقلیم نظیر تنوع‌بخشی به منابع درآمدی از طریق توسعه زنجیره‌های ارزش محصولات کشاورزی و غیرکشاورزی و همچنین، ترویج بهره‌گیری از منابع انرژی تجدیدپذیر (انرژی بادی و خورشیدی) می‌تواند مؤثر واقع شود.
- با توجه به اثر معکوس و معنی‌دار متغیر تحصیلات بر فقر چندبعدی روستایی (کاهش ۰/۲۱۶ واحدی فقر در اثر افزایش یک واحدی سطح تحصیلات)، سرمایه‌گذاری در آموزش و ارتقای مهارت‌های نیروی کار روستایی می‌تواند به عنوان راهکاری مؤثر برای کاهش فقر در بلندمدت مورد توجه قرار گیرد.

منابع

1. Abílio, B. J. (2024). The effects of oil and non-oil export revenue on income inequality in Angola. *African Journal of Empirical Research*, 5(4), 1027-1042.

2. Agbarakwe, U. H., & Okpe, E. A. (2024). An analytical inquiry into the impact of international trade on poverty reduction in Nigeria. *South Asian Research Journal of Humanities and Social Sciences*, 6(1), 40-55.
3. Alkire, S., & Foster, J. (2011). Counting and multidimensional poverty measurement. *Journal of Public Economics*, 95(7-8), 476-487.
4. Arab, M., Zayanderoody, M., & Jalaei, S. A. M. (2024). Investigating the effects of foreign trade on multidimensional poverty in Iran (SVAR approach). *Journal of Economic Modeling Research*, 15(55), 61-88. [In Persian]
5. Asongu, S. A., & Eita, J. H. (2023). The conditional influence of poverty, inequality, and severity of poverty on economic growth in Sub-Saharan Africa. *Journal of Applied Social Science*, 17(3), 372-384.
6. Balasubramanian, P., Burchi, F., & Malerba, D. (2023). Does economic growth reduce multidimensional poverty? Evidence from low- and middle-income countries. *World Development*, 161, 106119. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2022.106111>.
7. Cao, T. M., Vo, N. T. A., & Thach, S. R. K. (2024). Does escaping the multidimensional poverty line improve family food security? Evidence from rural Vietnam. *Agriculture & Food Security*, 13(47), 1-11. <https://doi.org/10.1186/s40066-024-00502-3>.
8. Chatziantoniou, I., Duffy, D., & Filis, G. (2013). Stock market response to monetary and fiscal policy shocks: multi-country evidence. *Economic Modelling*, 30, 754-769. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2012.10.005>
9. Chijioke, M. I., & Olisah, R. C. (2023). Oil revenue and poverty in Nigeria: the south-south perspective in post Covid-19 era. *Journal of Economics and Applied Research*, 8(1), 240-250.
10. Danso-Abbeam, G. (2025). Crop diversification and multidimensional poverty in rural Ghana: the empirical linkages. *Sustainable Futures*, 10, 101122.
11. D'Attoma, I., & Matteucci, M. (2024). Multidimensional poverty: an analysis of definitions, measurement tools, applications and their evolution over time through a systematic review of the literature up to 2019. *Quality & Quantity*, 58(4), 3171-3213.

12. IPRCI (2024). How to calculate the national multidimensional poverty index (an estimate of the reduction of severe deprivation in Iran), No. 20041. Islamic Parliament Research Center of Iran (IPRCI), Tehran. [In Persian]
13. Jam, M., Bagheri Tudesghi, M., & Sajjadi, S. M. (2025). Analysis of the impact of inflation on multidimensional poverty: a case study of Qom City, 2005-2019. *The Journal of Economic Studies and Policies*, 11(1), 261-293. [In Persian]
14. Kone, D., & Foade, D. J. T. (2024). Trade liberalization and poverty reduction in the WAEMU area. *International Journal of Economic Studies and Management*, 4(2), 247-262.
15. Liu, M., Feng, X., Zhao, Y., & Qiu, H. (2023). Impact of poverty alleviation through relocation: from the perspectives of income and multidimensional poverty. *Journal of Rural Studies*, 99, 35-44.
16. Maleki Shahrivar, M. (2018). Short-term and long-term effects of oil revenues on economic poverty in urban areas in Iran. *Applied Economics*, 7(23), 57-75. [In Persian]
17. Mekonnen, A. G. (2024). Estimating multidimensional poverty: a new methodological approach. *Journal of Poverty*, 29(2), 110-128. <https://doi.org/10.1080/10875549.2023.2301620>
18. Moftakhari A. (2024). Non-linear effects of social welfare on multidimensional poverty in developing countries. *Social Welfare Quarterly*. 23(91), 61-102. [In Persian]
19. Navvabpour, H., & Torabi Kahlan, P. (2024). A study on multidimensional poverty and contribution of dimensions in the provinces of Iran. *Iranian Journal of Economic Research*, 29(99), 166-193. [In Persian]
20. Ngo, N. A., & Lee, H. (2025). Income inequality, poverty, and trade liberalization: evidence from the Vietnam-US Bilateral Trade Agreement. *Research in Economics*, 79(3), 101054.
21. Nguyen, T. T., Hoang, V. N., Wilson, C., & Managi, S. (2019). Energy transition, poverty and inequality in Vietnam. *Energy Policy*, 132, 536-548.
22. Nurlina, N., Ridha, A., Syahputra, R., & Muda, I. (2024). Impact of selected macroeconomic on poverty alleviation in Indonesia: evidence from NARDL approach. *Journal of Infrastructure, Policy and Development*, 8(8), 1-17.

23. Onwuemeka, I. O. (2024). Poverty amidst plenty of resources: Does institutional framework reinforce the resource curse syndrome in Nigeria? *International Journal of Management Studies and Social Science Research*, 6(1), 276-290.
24. Rezaeifar, M., Khalilian, S., Najafi Alamdarloo, H., & Vakilpoor, M. H. (2025). Geography of multidimensional poverty in Iran. *Agricultural Economics*, 19(2), 69-97. [In Persian]
25. Saddique, R., Zeng, W., Zhao, P., & Awan, A. (2023). Understanding multidimensional poverty in Pakistan: implications for regional and demographic-specific policies. *Environmental Science and Pollution Research*, 1-16. <https://doi.org/10.1007/s11356-023-28026-6>.
26. Sen, A. (1981). Issues in the measurement of poverty. In: *Measurement in public choice* (pp. 144-166). Palgrave Macmillan UK, London.
27. Tasan, M., Piraei, K., Nonejad, M., & Abdeslahi, A. (2021). The effect of economic openness on improving the life of the poor in Iran. *Agricultural Economics Research*, 13(1), 123-146. [In Persian]
28. Wooldridge, J. M. (2016). *Introductory econometrics: a modern approach*. South-Western Cengage Learning.
29. World Bank (2024). Population and poverty across the world. Available at <https://www.worldbank.org/en/topic/poverty>.
30. Yan, J., Işık, C., & Gu, X. (2024). The nexus between natural resource development, trade policy uncertainty, financial technology and poverty in China: contributing to the realization of SDG 1. *Resources Policy*, 95, 105154.
31. Zhao, J., Liu, X., Gao, Y., Li, D., Liu, F., Zhou, J., ... & Wang, Y. (2024). Estimates of multidimensional poverty and its determinants among older people in rural China: evidence from a multicenter cross-sectional survey. *BMC Geriatrics*, 24(1), 2-12. <https://doi.org/10.1186/s12877-024-05413-3>.